

# اخراج بیست هزار نفر مخالف از حزب کمونیست شوروی

طی پاک سازی اخیر (ژانویه ۱۹۳۶)



*Leon Trotsky*

لئون تروتسکی

## اخراج بیست هزار نفر مخالف از حزب کمونیست شوروی

طی پاک سازی اخیر (ژانویه ۱۹۳۶)

موج جدید پاک سازی در حزب کمونیست اتحادیه جماهیر شوروی این بار در حالی به عنوان بررسی اعتبارنامه های حزبی در جریان است که برخلاف دفعات قبل بدون شرکت صوری اعضای خود حزب، جلسات عمومی، اقرار شخصی، اتهام عمومی و تأیید مدارک انجام می گیرد. ماشین بازرسی برای این که موضوع را تنها اعتبارنامه های حزبی جلوه دهد کاملاً پشت پرده عمل می کند. در واقع ۱۰ درصد حزب در جریان این بررسی اخراج شده اند و در حالی که هنوز بررسی کاندیداهای حزب پایان نگرفته بیش از دویست هزار نفر از صفوف حزب عزل شده اند. یادآور می شوم که این تعداد کل نیروهای بلشویک در زمان تسخیر قدرت توسط پرولتاریا بود.

روزنامه ی پرآودا در دو شماره ی ماه ژانویه ی خود، هدف اخراج ها را به شکل زیر دسته بندی کرد: تروتسکیست ها، زینوویویست ها، اپورتونیست ها، کلاه برداران، عناصر بیگانه و قاچاق چیان تا جاسوسان سازمان های خارجی. از کنار هم قرار دادن تروتسکیست ها، قاچاقچیان و جاسوسان عصبانی شدن نهایت ساده گی است، هر رژیمی در مقابل مخالفان

سفت و سختش به آزار و اذیت می پردازد. انقلابیون و مجرمان همان طور که امروزه در زندان های بورژوازی سراسر دنیا کنار هم زندگی می کنند، در گذشته نیز در کنار بودن را در زندان های تزار را تجربه کرده اند. کرنسکی در زمان خودش بارها و بارها قسم خورد که بلشویک ها با دارودسته ی "بلک هاندرد" و جاسوسان آلمانی ساخت و پاخت دارند. استالین هم کاملاً به سنن خود پای بند مانده است. به جای تنها عصبانی شدن از پاک سازی های حاضر، بهتر است به تحلیل دقیق تر آن بپردازیم.

پیش از هر چیز به این نکته اشاره می کنیم که از میان دویست هزار اخراجی از حزب، تروتسکیست ها رسماً بیشترین نفرات را دارند. آیا این نکته نشان دهنده شمار بالای آن هاست؟ یا بوروکراسی با وجود بیش از ده بار تصفیه تروتسکیست ها، هم چنان آن ها را خطرناک ترین دشمن خود می داند؟ هر دو مورد! بایستی با استفاده از آمار رسمی ثابت کنیم که شمار بلشویک لنینیست های اخراجی تنها طی پاک سازی قبلی (اواخر ۱۹۳۵) به ده هزار نفر و در کل، به ارقامی بیش از این می رسد. وحشی گری در سرکوب نشان دهنده ی میزان ترس بوروکراسی است.

از نظر رسمی دولت بوروکرات، تروتسکیست ها و زینوویویست ها در یک دسته قرار می گیرند. زینوویویست ها همیشه گروه بندی لنینگرادی خالص را نمایندگی کرده اند، در بخش های دیگر کشور از اعضای پراکنده تشکیل می شدند و گذشته از بی ثباتی، هیچ گاه شخصیت سیاسی مستقل نداشتند. بنابر این ما شش دسته اخراجی ها داریم که با اندکی تغییر در گزارشات محلی، مکاتبات و مقالات برجسته تکرار شده است : (۱) بلشویک لنینیست ها، (۲) زینوویویست ها، (۳) اپورتونیست ها یا فرصت طلبان، (۴) کلاه برداران و

عناصر بیگانه (گارد سفید و غیره)، ۵) قاچاق چیان و ماجراجویان، ۶) جاسوس های خارجی.

قبل از آن که به سراغ تحلیل تعداد نیروهای بلشویک لنینیست برویم، باید به این نکته اشاره کنیم که هیچ یک از دسته های اخراجی و رویدادهای مذکور، شامل هیچ کدام از سوسیال رولوسیونرها و منشویک ها نمی شود. هر دوی این احزاب دیگر حیات سیاسی ندارند. همان طور که رفیق تاروف به درستی اخیراً به آن اشاره کردند، اقدامات ارتجاعی آن ها در سال ۱۹۱۷، مسیر آن ها برای نزدیک شدن به نسل های جدید در شهر و روستا را مسدود کرد. و همان طور که سگیلا، رفیق یوگوسلاو و زندانی دیروز استالین به دفعات تأکید کرده، تنها اپوزیسیون جدی در کشور، همان بلشویک لنینیست ها هستند. در کلامی دیگر، اپوزیسیون ضد بنیپارتیزم در اتحادیه جماهیر شوروی، نه از اصول دموکراسی خرده بورژوازی، بلکه از پیروزی انقلاب اکتبر و حرکت با پرچم آن، جریان گرفته است.

پس از پاک سازی های قبلی و حذف فیزیکی مخالفین، این طور به نظر می رسد که نه صدها، نه هزاران، بلکه حداقل دویست هزار بلشویک لنینیست در صفوف اول دسته های اخراجی حضور دارند. تعداد دقیق کدام است؟ مطبوعات شوروی محتاطانه از ذکر شمار آن خودداری می کنند. تنها در مقالات و ملاحظات مربوط به استان و ناحیه ها است که مستقیم یا غیرمستقیم (اغلب غیرمستقیم) به تعداد تروتسکیست های اخراجی اشاره ای دیده می شود. پیشنهاد ما کار بر روی اطلاعات این چنینی است.

خاتویچ، منشی استان دنیپر پتروفک، در مقاله ای گزارش داده است که طی بررسی اسناد اعتبارنامه در حوزه ی استحفاظی خودش، ۲۶۴۶ نفر، یعنی ۸

درصد کل سازمان از حزب اخراج شده اند. ظاهر بررسی این طور بود که: "نه تنها در کشف افراد منزوی بلکه در کشف کل گروه های زینوویویست- تروتسکیستی که مخفیانه در صفوف حزب فعالیت می کنند نیز موفق بودیم". خاتاویچ به جای بیان تعداد آن ها (گروه های زینوویویست- تروتسکیست)، ارقام دیگری را این گونه ذکر می کند: " ۱۵۰۰ تن از گارد سفید، کولاک، اعضای پبلیورا، ماختو و دیگر گروه ها، ۳۰۰ کلاه بردار و قاچاق چی که با استفاده از اسناد تقلبی در حزب نفوذ کرده بودند." (پراودا، ۲۶ سپتامبر، ۱۹۳۵). دو گروه مذکور روی هم ۱۸۰۰ نفر اخراجی می شوند، به علاوه مقاله به "جاسوسان خارجی که به سازمان حزب نفوذ کرده اند" نیز اشاره می کند اما این نمونه ها تنها می توانند به اشخاص و نه به تعداد زیادی مربوط باشند. با حذف دسته های مذکور، سهم تروتسکیست ها و زینوویویست ها از اخراجی ها باقی می ماند، که به علاوه تمام مخالفان، کمتر از ۱۶۰۰ نفر نیست. یا شاید خاتاویچ برخی دسته های اخراج شده را پنهان می کند؟ کدامشان را و چرا؟ حتی اگر تنها نیم یا یک سوم رقم بالا سهم تروتسکیست ها از موج اخراج باشد، در آن صورت با رقم بزرگ ۵۰۰ تا ۱۰۰۰ نفر روبرو هستیم. طبیعتاً این عدد کاملاً فرضی است.

در همان شماره ی پراودا، در بخش کوچکی، دیدیم که در منطقه دریای سیاه آزوف، ۴۳۲۶ نفر، یعنی ۷ درصد تعداد کسانی که مورد بررسی قرار گرفته اند اخراج شده اند. بررسی نشان داد که که در سازمان های شهری گوناگون (مثل کرانسکی آکسای، بخش کشاورزی منطقه و تراست میوه)، گروه های ضدانقلاب زینوویویست- تروتسکیست وجود داشتند. گرچه این بخش کوتاه سهم این گروه های ضد انقلاب را مشخص نمی کند، اما تصدیق

می کند که حتی پس از بازرسی، مخالفین پنهانی به رشد در سازمان های منطقه ای ادامه داده اند.

در منطقه ی سیبری غربی، ۳۵۷۶ نفر عضو (۱۱ درصد) و ۱۹۳۵ کاندید (۱۲.۸ درصد) اخراج شده اند. منشی آبخه در پراودا می نویسد: "در میان اخراجی ها بیشترین تعداد کولاک ها و گاردهای سفید از ارتش کولجک هستند که یک سوم رقم کل را تشکیل می دهند و پس از آن ها تروتسکیست ها و زینوویویست ها هستند (۲۳ دسامبر ۱۹۳۵). با توجه به این اظهارات، بلشویک لنینیست ها در رتبه دوم قرار می گیرند و تمام اخراجی ها به استثنای گارد سفید در چهار دسته تقسیم می شوند. اگر نفرات اخراجی به تساوی در این دسته در نظر گرفته شوند، هر دسته بیش از ۹۰۰ نفر خواهد بود. در عین حال، خود آبخه تروتسکیست ها و زینوویویست ها را پس از کولاک ها و گارد سفید بزرگ ترین دسته ی اخراجی ها می داند. بنابراین، حد اقل ۱۰۰۰ نفر یا ۲۰ درصد کل اخراجی ها در منطقه سیبری غربی را بلشویک لنینیست ها تشکیل می دهند. آبخه می گوید: "تقریباً نیمی از کل تعداد تروتسکیست ها و زینوویویست های اخراجی در مراکز آموزشی مشغول کار بودند. زینوویویست- تروتسکیست ها برای نفوذ در بخش ایدنولوژیک حزب و استفاده از آن برای تبلیغات نظرات خود تلاش زیادی کردند." این اظهارات آشکارا به اعضای جدید حزب از میان دانشجویان و جوانان طبقه ی کارگر اشاره دارد. باید قبول کرد که سیبری در گرایش جوانان به بلشویک لنینیست ها یک استثناء است زیرا جوانان آشکارا تحت تاثیر تبعیدی ها قرار دارند. (همان حالتی که در دوران تزاریزم هم شاهد آن بودیم).

در حوزه ی خارکوف، از ۵۰۰۰۰ عضو حزب، ۴۰۰۰ نفر اخراج شدند. اما منشی زایتسف تنها به ۲۳۵۶ اخراجی که بررسی مدارکشان توسط گروه های عالی رتبه انجام گرفته می رسد. در میان این گروه اخراجی ها، ۹۰۷ کولاک و گارد سفید، ۵۹۴ مفسد اخلاقی و محل نظم حزبی، ۱۲۰ کلاه بردار و قاچاقچی، ۴۲ بورژوا ناسیونالیست و در نهایت ۱۲۰ تروتسکیست قرار دارند. اگر به این نکته هم توجه کنیم که در خارکوف، ساتراپیہ کوسیور، پتروفسکی و کمپانی، حذف فیزیکی مخالفین از ۱۹۲۳ با توحش در جریان بوده و آوازه ی آن به تمام شوروی رسیده، همین شمار اندک ۱۲۰ نفر، که شامل ۵ درصد اخراجی ها است حقیقتاً عجیب است.

کاملاً مشخص است که بوروکراسی کمترین علاقه ای برای زیاد نشان دادن نفوذ بلشویک لنینیست ها ندارد، به همین دلیل باید در نشریات به دنبال ارقام و آمار "کمتر" اپوزیسیون باشیم. به علاوه، از ۱۹۲۴ گروه های استالینیست ترجیح می دادند که اپوزیسیون را تحت عنوان منحرفان اخلاقی و یا حتی گارد سفید اخراج کنند بنابر این شکی باقی نمی ماند که پُر نفوذترین و فعال ترین عناصر بلشویک لنینیست تحت عناوین دیگر اخراج شده باشند و به این ترتیب: در کمپ های متمرکز و در راه تبعید به حذف آن ها اقدام شده است.

با توجه به استدلال ما برای بزرگ لحاظ کردن ارقام اخراجی، اگر سبیری غربی را به عنوان ضریب در نظر بگیریم، به عدد بیش از ۴۰۰۰۰ تروتسکیست و زینوویویست اخراجی در کل اتحادیه شوروی خواهیم رسید. اما اگر همان ۵ درصد تروتسکیست های اخراجی که خارکوف عمداً به حداقل رسانده در نظر بگیریم، از ۲۰۰۰۰۰ اخراجی به رقم ۱۰۰۰۰ می رسیم. و

اگر نهایتاً، میانگین سیبری غربی و ارقام خارکوف را مدنظر قرار دهیم، به رقم ۲۵۰۰۰ می‌رسیم، که در تمام احتمالات این رقم آخر به حقیقت نزدیک‌تر است.

اهمیت سیاسی اطلاعات بالا بر کسی پوشیده نیست اما یک سؤال باقی می‌ماند: چرا بوروکراسی از سویی کلیت موضوع را مخفی نگاه می‌دارد در حالی که از سوی دیگر اطلاعات مغرضی جهت آگاهی عوام پخش می‌کند؟ جواب ساده است، بوروکراسی از پوست خود به آرامی بیرون می‌خزد تا از تبلیغات برای بلشویک‌لنینیست‌ها جلوگیری کند، در حالی که در همان زمان مجبور به انتشار اخبار است: مواظب باشید! آن‌ها زیادند! آن‌ها در حال رشدند! در هر صورت هیچ حرفی از بقایای آن‌ها به میان نمی‌کشد.

بلشویک‌لنینیست‌ها دشمن آشتی‌ناپذیر بوروکراسی که در پی محکم کردن جای پای خود در قدرت است، بودند و خواهند ماند، کمی عجیب است که گروه استالینیست مقام اول را در آمال کام‌هایش به تروتسکیست‌ها اختصاص داده است. آن‌ها از تمام مبارزه‌شان افتخار کسب کردند. ذات پاکسازی‌های اخیر بهترین و روشن‌ترین گواهی است بر نفوذ و برتری آن‌ها. بوروکراسی دیگر نمی‌تواند دشمنانش را مانند احزاب تروریست و مقابل چشمان همه‌گان حذف کند. انگار که پاک‌سازی عمومی جایش را به محکمه‌ی جنایی مخفی و جنایت‌کار بورژوازی داده و حذف فیزیکی اخراجی‌ها را به "جی‌پی‌یو" سپرده باشد! این روش با آن چه بوروکراسی می‌خواهد منطبق است، چنان که استالین بلافاصله پروژه‌ی جدید پاک‌سازی را از اول فوریه تا اول مه سال جاری آغاز کرده است. کارت‌های قدیمی حزب (که کهنه به نظر می‌رسند) باید با کارت‌های جدید تعویض شوند و قوانین "سی‌سی" (برای تمدید



کارت ها) شامل شرایط سختی است. ارگان های "جی پی یو" باید دوباره تمام اعضای حزب را بررسی کنند و تنها برای کسانی که می توانند اعتماد آن ها را جلب کنند کارت صادر می کنند. گویا شش ماه دیگر باید ببینیم چند بلشویک لنینیست به موجب آن از حزب به کمپ های متمرکز منتقل می شوند.

اطلاعات ذکر شده در بالا ممکن است برای بسیاری غیرمنتظره باشد. ما عامدانه و آگاهانه تمامی محاسبات را پیش روی خواننده گان انجام دادیم تا جلوی هر سوءظن، برداشت شخصی یا طرف داری از گروه خودمان را بگیریم. جان کلام بر این پایه است که تحت نفوذ مطبوعات استالینیست و عاملانشان (مثل لونیز فیشر و آقایان دیگر) نه تنها دشمنان ما بلکه تعداد زیادی از دوستان ما تدریجاً به این عقیده خو گرفته اند که اگر بلشویک لنینیستی هنوز در اتحادیه جماهیر شوروی زنده است، حتماً در کمپ های کارگری و شرایط سخت به سر می برد. نه! مسأله تنها این نیست، برنامه ی مارکسیستی و رسوم انقلابی با اقدامات پلیسی ریشه کن نمی شوند. برای اطمینان، بلشویک لنینیست ها کار در شوروی را امروزه از کار در هر جای دیگر دنیا سخت تر می دانند (نمونه در همین زمینه، اظهارات رفیق یوگوسلاوونمان، سیلیگا). با این وجود، کارکرد اندیشه ی انقلابی تنها به یک روز خاص متعلق نیست. نه تنها در تنوری، بلکه در عمل، پرچم و رسوم، گرایش ما مشی توده ای و کارگری دارد و امروز، آشکارا مشغول ترسیم نیروهای جدید خود است. در میان ده تا بیست هزار تروتسکیست اخراجی طی آخرین ماه های سال ۱۹۳۵، نماینده گان نسل پیش، شرکت کننده گان در جنبش سال های ۱۹۲۳-۲۸، شامل تنها ده ها و یا صدها نفر می شوند، ترکیب اصلی همه از اعضای جدید هستند. به علاوه، نباید فراموش کنیم که

اطلاعات بالا فقط مربوط به حزب است. اما سازمان جوانان کمونیست با میلیون ها عضو جوان هم وجود دارد. در میان آن ها، آشوب و نا آرامی، رفتاری خصمانه و برنامه ریزی شده تلقی می شود. آموزش لنینیسم به جوانان در اتحادیه جماهیر شوروی به شدت سخت است. اما بدون شک، تراز آن ها به شکلی قیاس ناپذیر از احزاب استالینیست بالاتر است. رسم بزرگ ادامه خواهد داشت، از نوشته های قدیمی اپوزیسیون در محل های مخفی نگه داری می شود، کتاب های مارکس، انگلس و لنین (هنوز ممنوع اعلام نشده اند) در قفسه کتاب خانه ها قرار دارند. نشریات شوروی اجباراً به پوشش رخدادهای سراسر جهان تن داده اند. ادبیات انترناسیونال، تحت پرچم بین الملل چهارم بسیار غنی است، عقاید و شعار های ما از هزاران کانال به درون اتحادیه جماهیر شوروی نفوذ می کند که در بخشی بولتن های روسی این وظیفه را به عهده دارند. بنابراین برتری عقاید انقلابی تأمین است.

تحت تازیانه های بوروکراسی و بدون خشمی هدفمند در بخش هایی از یاکوداس، موودس و غیره، عناصر منزوی و تکرو جوانان مسیر ترورهای فردی را پیش رو می گیرند، مسیر نومیدی و یأس. بنایاریست ها مشتاقانه از اقدامات تروریستی برای به حق جلوه دادن سرکوب خونین مخالفان استفاده می کنند. اما بخش اصلی جوانان انقلابی از طبقه ی خود گسست نمی کند تا در راه ماجراجویی فردی قدم بگذارد. برنامه ی انترناسیونال چهارم، گرچه معجزه آنی را قول نمی دهد اما به تنها راه قطعی و صحیح اشاره دارد. رشد انترناسیونال چهارم در پهنه ی جهان، دوستان و هم راهان ما را در اتحادیه جماهیر شوروی نیرومند می کند. ما می توانیم با اطمینان اعلام کنیم که با وجود سیزده سال تعقیب و گریز، تهمت و قتل عام، ظلم و ستم و بد نامی، با

وجود تسلیم و خیانت خطرناک تر از اذیت و آزارها، حتی امروز انترناسیونال چهارم قوی ترین، بیشترین و شجاع ترین اعضای خود را در اتحادیه جماهیر شوروی دارد.

نه! ما کوچک ترین زمینه ای برای مایوس شدن نداریم، حرکت رو به جلو هموار و مستقیم نیست. مبارزه ی تحت ستم ما به فداکاری های بزرگ نیاز دارد، اما آینده از آن ماست. آخرین پاک سازی بوروکراتیک در اتحادیه جماهیر شوروی اثباتی است بر این که: آینده از آن ماست.

بعدالتحریر- پافشاری بر ذکر "جاسوسان سازمان های خارجی" اخراج شده از حزب در طول پاک سازی، شایسته توجه خاصی است مسائلی این چنین کاملاً امکان پذیر است، اما آن ها تنها استثنائات هستند. نامه های محرمانه معمولی برای مراقبت از ارسال اطلاعات کافی است، اما چرا روزنامه ها تا این حد به مسأله ی جاسوس ها چنگ می زنند؟ مطبوعات استالینیست هرگز نمی توانند بدون راهنمایی از بالا این قدر جسور باشند. اما هدف از فرمان صادر شده چیست؟ می توان به راحتی دلیل آن را حدس زد.

در زمان حکومت استبدادی استالین در اتحادیه جماهیر شوروی، کمونیست های مخالف زیادی مورد هدف گلوله قرار گرفتند و رقمی بزرگ تر از آن هم در زندان های انفرادی و کمپ های متمرکز رنج می کشند. حتی اخبار زیادی در این مورد به بیرون درز می کند، از استثنائات مهم، گزارشات سیلیگا است که به تازگی از زندان های استالین رهایی یافته است.

بوروکراسی باید به هر روشی این افشاءسازی ها را دفع کند، یا برای تسلیح نوکران خارجی اش و یا حد اقل شبه توضیحاتی را ارائه دهد. جای تعجب ندارد که مأموران کمینترن، کمونیست های خارجی کشته یا زندانی شده

را جاسوسان سازمان های خارجی می دانند. این جنایات بدون مکافات نخواهند ماند و توده های کارگر حقایق را خواهند شنید. سازمان های انترناسیونال چهارم در اجرای وظایف شان استوار خواهند بود.

ترجمه: کیومرث عادل

منبع: نشریه میلیتانت شماره ۴

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۸۶